

تعارضات و همسویی‌ها در ساخت مجالس مذهبی زنان شهر تهران

محمد تقی کرمی*، عطیه خاکسار فرد**، وحید شالچی***، نهال نفیسی****

چکیده

این پژوهش در صدد ارائه تعریفی جامع از تعارضات و همسویی‌هایی است که در پی انگیزه‌های متفاوت حضور زنان در مجالس مذهبی زنانه رخ می‌دهد. در این راستا تلاش شد با بهره‌گیری از رویکرد پدیدارشناسختی، تضادها و همسویی‌های شکل گرفته در مجالس مذهبی زنانه شهر تهران نشان داده شود. حجم نمونه در پژوهش حاضر ۳۰ نفر از زنان تهرانی واجد شرایط لازم برای مشارکت در پژوهش بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. گردآوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و استخراج و تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شد. در نهایت بر اساس یافته‌های پژوهش دو مقوله‌ی اصلی هویت‌یابی جنسیتی و مقام‌یابی و تخصیص هویت اجتماعی استخراج شد. نتایج نشان داد که عنصر هویت‌یابی جنسیتی با تعارض بیشتر و همسویی کمتر و تخصیص هویت اجتماعی و منزلت اجتماعی با همسویی بیشتر و تعارض کمتر از طریق ایجاد نقاط اتفاق در سه ساحت جنسیت، حوزه عمومی و امر مذهبی در ساخت مجلس مذهبی زنانه به ایفای نقش می‌پردازند.

واژگان کلیدی

مجلس مذهبی، جنسیت، مقام‌یابی، هویت اجتماعی، زنان.

-
- *. دانشیار گروه مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، ایران (karami@yahoo.com).
**. دانشجوی دکترای دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، ایران، (نویسنده‌ی مسئول)
(attihe_khaksarfard@yahoo.com).
***. دانشیار، جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (v.shalchi@gmail.com).
****. استادیار گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (nahal@rice.edu).
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۲

۱- مقدمه و بیان مسئله

یکی از زمینه‌های واکاوی جدی تجربه‌های زنان در ایران، فهم انگیزه‌ها و تجربه‌های زنان از حضور در مجالس مذهبی زنانه است. در نگاه اول موضوع اصلی به خود زنان برمی‌گردد. زنان در این تجربه سوژگی خود را به نمایش می‌گذارند. زنان در ساختی از مجالس کاملاً زنانه نشان می‌دهند که خودشان می‌توانند تعریفی از هویت‌شان را ارائه دهند که الزاماً با برداشتی مردانه از هویت زنان آغشته نشده است. این نوع از سبک زندگی عادت‌واره‌هایی را به مثابه امری تاریخی - فرهنگی تأسیس کرده است؛ امری که در آن زنان دست به کنش می‌زنند، مشارکت فعال دارند، به تأویل و تفسیر می‌پردازند و شکلی از حضور زنانه را می‌سازند که مختص زنان است. این مختص بودن هم در صورت و هم در معنا اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر، اگر به مجالس مذهبی زنانه به مثابه‌ی یک ساختار نگاه شود، فرم و عینیت بیرونی این ساختار کاملاً زنانه و آنچه معنابخش این کلیت است نیز منبعت از کنش‌های متقابلی است که زنان در مرکز این ساختار انجام می‌دهند.

زنان در طول نقش‌آفرینی و تعیین‌بخشی به سوژگی‌شان، در درجه‌ی نخست جنسیت خود را محور کنش‌هایشان قرار می‌دهند. در این تفسیر، هر چیز دیگری ابژه‌ی شناخت جنسیت و ذیل گفتار امر زنانه قرار می‌گیرد. از این رو، پرداختن به خودتعیین‌بخشی زنان و به طور کلی تعیین امر زنانه در برابر آن چه امر مردانه تلقی می‌شود، از اهمیت زیادی برخوردار است. در واقع، زنان در جوامع گوناگون در پی کشف نقش خود به عنوان کنشگری فعال هستند تا از طریق توسل به این نقش بتوانند جنسیت خود را بازنمایی کنند. زنان با حضور خود در عرصه عمومی تلاش می‌کنند هم حوزه‌ی عمومی را تصرف کنند و هم آن را درگیر نقش خود کنند. زنان با این حضور، نظام نمادین امر مردانه را به چالش می‌کشند و توافقات گروهی مردانه را فاقد مشروعیت اجتماعی تلقی می‌کنند زیرا برداشتهای صورت گرفته در آن را آمیخته با جنسیت خود و تعینات آن نمی‌بینند. این طرز تلقی زنانه در نسبت با امر مردانه موضوعی است که کارل کاسر در کتاب پدرسالاری به دنبال پدرسالاری و در پی‌جویی مناسبات جنسیتی زنان ترک و زنان منطقه بالکان به آن پرداخته و نشان داده جنبش زنان و حضور آنان در سپهر عمومی چندان عمده نیست ولی در عین حال آنها فکر نمی‌کنند که مردان بتوانند نسبت به آنان رهبران سیاسی بهتری باشند (Kaser, 2008: 222).

در اینجا، دو ضلع برکشیدن جنسیت زنانه و ساخت سپهر و حوزه‌ی عمومی‌ای که این جنسیت در آن به ایفای نقش خود بپردازد، محل توجه می‌شود. این دو، در تلاقی با ضلع سومی به نام امر مذهبی واجد نوعی تکینگی متکثری می‌شود که می‌تواند منحصر به فرد و در عین حال متکثر هم باشد. در واقع، امر مذهبی، و جلسات مذهبی زنانه به معنای خاص آن محلی از حوزه‌ی عمومی

است که جنسیت زنانه امکان برکشیده شدن در آنجا را می‌یابد و در عین حال واجد فاصله‌ای منطقی با حوزه‌ی عمومی نیز هست زیرا زنان سعی می‌کنند با تمرکز بر جنسیت‌شان، شأن و منزلت دیگری به امر مذهبی بدهند و آن را از دیگر برداشت‌ها از امر مذهبی (به عنوان مثال قرائتی مردانه) جدا کنند. در واقع، در نقش اول و دوم یعنی جنسیت زنانه و حوزه‌ی عمومی، نقش عمومی نیز سربرمی‌آورد که دارای داد و ستد با دو نقش پیشین است. واضح‌تر این که امر مذهبی و تعیینات خاص آن دارای نقشی است که زنان به‌واسطه‌ی کنشگری در آن و از طریق اصل کنش، حوزه‌ی عمومی خاص خود را می‌سازند. امر مذهبی زنانه در این پژوهش کنشی است که زنان در مجالس مذهبی زنانه به آن می‌پردازند و این پژوهش در تلاش است فهمی از انگیزه‌های زنان از حضور در این فضای متکثر را در همه‌ی ابعاد متصور آن در چارچوب پژوهش حاضر، به دست دهد. با این پرسش که زنان در تلاقی جنسیت‌شان با حوزه‌ی عمومی و امر مذهبی چه تکینگی‌ها و تکتربهایی را پدید می‌آورند و این دو ساحت به وجود آمده واجد چه همسویی‌ها و تعارضات احتمالی هستند؟ در این مجالس، امر مذهبی در پیوند با حوزه‌ی عمومی نوعی از جنسیت را بازنمایی می‌کند که زنان در آن گفتارهای خود را در آنجا مفصل‌بندی کرده و معنا می‌بخشند. این گفتارها می‌تواند از انواع نادیده گرفته شدن، سرخوردگی اجتماعی، زوال نقش و ... ناشی شده باشد. بنابراین، زنان به خلق معنایی دست می‌زنند که امکان ظهور و بروز آن امر مذهبی و مشخصاً مجالس مذهبی زنانه است. «گاه حتی در موقعیت‌های جدی و حرفه‌ای، صرف توجه و مذاقه در ظرافت‌های حیات زنانه، از دید جامعه مشغولیتی تلقی می‌شود که با مردانگی^۱ منافات دارد. آنچه زنانه فرض می‌شود، به‌طور عمدی و منظم، در روایت‌های زندگی شخصی و حرفه‌ای مردان حذف، طرد یا تحقیر می‌شود. دلالت ضمنی همه این پرهیزهای عمدی و فعالانه، تنها حقیرشمردن امر زنانه نیست، بلکه تحقیر زنان است. یک پیامد گریزناپذیر این وضعیت آن است که زنان برای حضور در موقعیت‌های جدی اجتماعی و برای جدی گرفته شدن باید دست به خودسانسوری بزنند، محافظه‌کاری پیشه کنند و همواره بخشی از جهان، وجود و تجربه‌های خود را کتمان یا انکار کنند» (رضوی‌زاده، ۱۳۹۴).

بنابراین، خود حضور زنان فارغ از امر مردانه و تلاش برای سوژگی در کنش‌های اجتماعی از اولین تصوراتی است که می‌تواند توجیه‌کننده‌ی انگیزه زنان از حضور در مجالس مذهبی زنانه باشد. این نوع از کنش مبتنی بر نوعی ذهنیت‌گرایی، تولید‌کننده دیگر رفتارهایی است که در این مجالس به وقوع می‌پیوندند. این تقابل و دیگر تعارضات و همسویی‌های احتمالی در کنش‌های زنان در

مجالس مذهبی زنانه در ساخت این مجالس مسئله‌ای است که پژوهش حاضر به آن پرداخته است و بر اساس مباحث تبیین شده به بررسی و تحلیل ارتباط بین جنسیت، امر مذهبی و حوزه‌ی عمومی، پاره‌های متکثر، متعارض و همسو در کنشگری زنان در مجالس مذهبی زنانه می‌پردازد و آن‌گاه مبتنی بر این تحلیل، ساخت مجالس مذهبی زنانه (در محدوده‌ی مورد پژوهش و مفاهیم انتخاب شده) تعریف می‌شود.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

برگزاری مراسم روضه‌خوانی به‌خصوص عزاداری امام حسین (ع) از جمله عناصر فرهنگی است که نقش به‌سزایی در فرهنگ عمومی زنان در دوران شکوفایی این مجالس با روی کار آمدن صفویه داشته است. بنابراین پژوهش‌های بسیاری به این موضوع اختصاص پیدا کرده است و مجالس مذهبی از دوران صفویه تا کنون رادر قالب تشکیل مراسم عزاداری حسینی، حسینیه‌ها، تکیه‌ها و هیئت‌های عزاداری نهادی اجتماعی و مذهبی برای شرکت‌کنندگان مورد پژوهش قرار داده‌اند (شهرستانی، ۱۳۸۲: ۳۱۲). زنان نیز از گذشته تا به امروز پیشگام عزاداری امام حسین بوده‌اند. مجالس روضه‌خوانی یکی از مهم‌ترین مجالس زنانه عزاداری بود که معمولاً درخانه‌های افرادی که داوطلب برگزاری این مراسم بودند انجام می‌شد. شرکت زنان در مجالس روضه‌خوانی از نظر اجتماعی بسیار امری پسندیده بود و وجهه‌ی اجتماعی زن را ارتقاء می‌داد. اما یکی از دلایل مهم شرکت گسترده‌ی زنان در مجالس روضه، این بود که در جامعه‌ی سنتی، مذهبی ایران تنها مکانی که زنان حق داشتند بدون اجازه بروند مراسم عزاداری بود. در واقع روضه‌خوانی و منبر کارکردهای زیادی داشت که کارکرد اطلاع‌رسانی و افزایش تعامل افراد با یکدیگر از مهم‌ترین آن‌ها بود. به خصوص که منبر می‌توانست انتقال پیام را به صورت عمیق‌تری برای مخاطبان انجام دهد و تأثیر بیشتری در افراد داشته باشد (مستوفی، ۱۳۹۸: ۲۸-۲۷).

سلیمانی و امیرپور در پژوهشی با عنوان «رویکرد جامعه‌شناختی تأثیر شرکت زنان در هیات‌های مذهبی بر سبک زندگی آنها»، با تأکید بر این موضوع که در جامعه ایران مذهب و مناسک مذهبی در زندگی افراد جایگاه ویژه‌ای دارد، بیان کرده‌اند که زنان نیز به نوبه‌ی خود مراسم مذهبی جداگانه‌ای برای خود دارند که هیات‌های مذهبی زنانه یکی از آن‌ها است. از کارکردهای این هیئت‌ها می‌توان به مواردی متفاوتی نظیر تغییر سبک زندگی، بحث و گفت‌وگو دینی و شرعی و تشکیل گروه‌های دوستی بر مبنای مذهب اشاره کرد. بنابراین این هیئت‌ها علاوه بر کارکردهای مذهبی پیوند عمیقی با زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اخلاقی زنان

دارند (سلیمانی و امیرپور، ۱۳۹۷). بهمن‌زاده در پژوهش دیگری با عنوان «فهم مراسم دینی زنان در تهران محله جنت‌آباد: مجالس مذهبی زنانه» به بررسی روضه‌های زنان در محله جنت‌آباد جنوبی تهران پرداخته و در پی پاسخ به این سؤال است که آیا مجالس مذهبی ریشه در اعتقادات، باورها، آداب و رسوم زنان شرکت‌کننده دارد؟ در واقع محقق در این تحقیق به دنبال نقش و جایگاه این مجالس در زندگی زنان مورد مطالعه بوده است (بهمن‌زاده، ۱۳۹۳). نتیجه؟؟

غیور باغبانی در پژوهشی با نام «بررسی عوامل موثر در ظهور ارزش‌های فرهنگی جدید در مراسم مذهبی زنان در مشهد» به بررسی مردم‌شناسانه‌ی تحولات در ارزش‌های فرهنگی و کلیت مراسم دینی زنان در شهر مشهد پرداخته است. یافته‌های این پژوهش حاکی است که روضه و سایر مراسم دینی بر اثر عوامل اجتماعی (دوست‌یابی، آشنایی، ازدواج)، عوامل اقتصادی (خرید و فروش و قرض گرفتن پول و جمع‌آوری کمک) و عوامل فرهنگی (به نمایش گذاشتن سبک زندگی) تغییر کرده است و دیگر کارکرد دینی ندارد و یا این کارکرد بسیار کم‌رنگ‌تر از گذشته شده است و یا ممکن است این کارکرد تنها در بین گروه‌های سالمندتر وجود داشته باشد (غیورباغبانی، ۱۳۹۳).

به صورت کلی دو نقد عمده و جدی به پژوهش‌های صورت گرفته در مورد نسبت زنان با امر مذهبی و حوزه‌ی عمومی وارد است که نقطه‌ی عزیمت پژوهش حاضر نیز شناخته می‌شوند. نکته اول این که پژوهش‌های حاضر معمولاً در سطح کنش یا در سطح ساختار متوقف شده و امکان ایجاد تلفیق بین این دو ساحت را به صورت معنادار و با استفاده از واقعیت‌های قابل استناد فراهم نمی‌آورند. به عبارت دیگر، این پژوهش‌ها پدیده‌ی مجالس مذهبی و هیئت‌های مذهبی را بیش از این که در این روش تلفیقی مورد سنجش قرار دهند، به مثابه‌ی برساختی اجتماعی و به شدت متأثر از این برساخت‌ها در حوزه‌های کلی مورد توجه قرار داده‌اند. به عنوان مثال، بر تأثیر کارکردهای بیرونی مانند کارکردهای اقتصادی در مجالس مذهبی و یا تأثیر ساخت‌های کلی نظیر مدرنیسم بر این مجالس تأکید داشته و آن‌ها را مورد تأمل قرار داده‌اند و از این رو به شدت به ساخت اجتماعی واقعیت بدون توجه در معنای خود پدیداری که آن واقعیت اجتماعی را می‌سازد، وابسته شده‌اند. بر این اساس پژوهش حاضر در تلاش است خلاء به وجود آمده در پژوهش‌های گفته شده را که عملاً وجود هر نوع ساختی را ممتنع و بی‌معنا می‌کند پر کند. نکته دوم این که به علت توجه بیش از حد به ساخت در این پژوهش‌ها اساساً نقش کنشگر نادیده گرفته شده است و به این ترتیب گویی نوعی ساخت‌های انتزاعی خلق شده‌اند که نه بر بستر واقعیت بلکه بر مبنای نوعی شهود به وجود آمده‌اند. به عنوان مثال، در برخی پژوهش‌ها اهداف توانمندسازی زنان در برنامه‌های توسعه، ارتباط امر مذهبی و حوزه‌ی عمومی مورد توجه قرار گرفته است که

در آن کنشگران امکان خلق معنای خود (توسعه‌ای که زنان به آن باور داشته باشند و...) را از دست داده‌اند. البته این موضوع به معنای الزام به ارائه چارچوبی صرفاً پدیدارشناسانه یا شبیه آن در هر پژوهشی نیست بلکه گوشزد کردن شرط امکان تولید ساخت از درون ساحت تکوینی هر نوع واقعیت اجتماعی‌ای است که باید مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. بدون توجه به این ابعاد روش‌شناسانه، ارائه نتایج ملموس و عینی تقریباً غیرممکن جلوه می‌کند زیرا که در این صورت ساخت‌هایی نامعتبر به وجود آمده‌اند که از تکافوی لارم برای عینیت‌بخشی خود برخوردار نیستند.

۳- چارچوب مفهومی

پیرو سنت پژوهش‌های کیفی، محقق در این پژوهش قصد نظریه‌آزمایی و یا فرضیه‌آزمایی ندارد، با این حال این امر به معنای خالی بودن ذهن از مبانی و ادبیات نظری پژوهش نیست (عبدالرحمانی و سهرابی، ۱۳۹۹: ۶۳ به نقل از میر حسینی و همکاران ۱۳۹۹) و در راستای حساسیت نظری پژوهش محققین مروری بر نظریات مرتبط با موضوع پژوهش داشته‌اند.

نماد و معناسازی نمادین تنها راه برقراری رابطه بین تجربه‌ی فردی و ساخت جامعه نیست، هر چند که می‌توان همیشه یکی از نقش‌های بنیادی را به نمادسازی داد. در محیط و فضای ارتباطی وقتی نماد و معنا هم‌داستان با هم پیش بروند، شکل‌های اجتماعی کنش سر برمی‌آورند. یکی از این شکل‌های اجتماعی کنش، نمایش است. نمایش خود یا به تئاتر درآوردن و به صحنه آوردن خود منجر به عمل بازنمایی می‌شود. آرای مید نشان می‌دهد بنیاد نظری کنش متقابل نمادین برآیند نظریه‌های پیشین و قابل انطباق برای تحلیل وضعیت اجتماعی از نظر تحلیل رفتار فردی است. در واقع مید با تأکید بر آراء جامعه‌شناسان قرن نوزدهم به ویژه مکاتب رفتارگرایی و عمل‌گرایی بنای مفروض ساخت اجتماعی را در تقابل دو سویه‌ی کنش‌ها برشمرد. هر چند مید از این دو مکتب برای گسترش نظریه‌ی خود بهره گرفت، اما در مقابل شیوه‌های نگرش این دو مکتب بر بنیان‌های نظری خود تأکید و تلاش کرد تا بین دیدگاه کنش متقابل با دو دیدگاه دیگر تفاوت قائل شود. او برای پرهیز از شیوه‌های تقلیل‌گرای دو مکتب یاد شده از عناصری مختص انسان به عنوان فراگرد اجتماعی یاد کرد. از نظر مید ذهن، عینی و ذهنی است و خود/ فرد دارای دو ساحت مجزاست. موضوع ذهنی، واقعیت فکری است. از نظر او ذهن، زبان، خرد، جامعه، استعداد و تفکر بایسته‌های کنش متقابل هستند. مید با تأکید بر ذهن نمادساز انسان، کنش‌های رفتاری جوامع انسانی را بر پایه نمادهای معنی‌دار مشترک می‌داند (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۶). گافمن

کنش متقابل و تعاملات اجتماعی را با استفاده از استعاره نمایش و مفهوم خود ترسیم کرده است. او در کتاب «نمود خود در زندگی روزمره»^۱ به ارائه تحلیلی جامع از نظریه نمایش خود پرداخته است و هدفش ارائه دیدگاهی جامع از چشم‌اندازی جامعه‌شناسانه است که در آن زندگی اجتماعی بتواند مورد مطالعه قرار بگیرد. این چشم‌انداز بر مبنای نوعی اجرای تئاتری است؛ یعنی اصولی که از اجراهای نمایشی^۲ مشتق شده‌اند (Goffman, 1956). همچنان که در نمایش و در تئاتر مفهوم نقش و نقش‌گیری اهمیت دارد، افراد و سوژه‌های انسانی نیز در محیط اجتماعی و در تعاملات اجتماعی در موقعیت‌های مختلف اجتماعی‌شان، دارای نقش هستند. آنها با این نقش‌ها به نوعی بازنمایی خود دست می‌زنند. در اندیشه‌ی گافمن، زندگی یا واقعیت اجتماعی، چیزی جز همان کنش متقابل اجتماعی روزانه‌ی آدمی، یا کنش متقابل چهره به چهره نیست. وی بر اساس استعارات نمایشی معتقد است که میان اجراهای تئاتری و انواع کنش‌هایی که همه‌ی ما در اعمال روزمره و کنش‌های متقابل مان انجام می‌دهیم، وجوه مشترک بسیاری وجود دارد. به علاوه، کنش متقابل که بسیار شکننده است با اجراهای اجتماعی حفظ می‌شود (یعقوبی چوبری، ۱۳۹۶: ۱۵۷-۱۵۶). گافمن عرصه‌ی نمایش جنسیتی و بازنمایی‌های مربوط به آن را در حوزه‌ی تبلیغات بررسی کرده است و سعی کرده از طریق بررسی طیفی از محصولات، تبلیغات جنسیتی را به صورت نمونه‌وار شناسایی کند. گافمن در کتاب «تبلیغات جنسیتی»^۳ به آشکارشدگی هویت جنسیتی در تبلیغات اشاره می‌کند و در خلال آن به چند موضوع اشاره می‌کند. از منظر او ژست‌های منطبق بر کنش‌های رفتاری که بر امر زنانه و مردانه دلالت دارند، جذاب و اسلوب‌مند هستند. از این زمان، پژوهش در مورد جنسیت بازنمایی‌شده به دو شاخه توسعه یافت که به شکل فزاینده‌ای در دو مسیر جداگانه قرار می‌گیرند. از یک‌سو تحلیل محتوای کمی، ژست‌های جنسیتی‌شده‌ی کلیشه‌ای را در روش‌های پیچیده و رو به رشدی اندازه‌گیری و تشریح می‌کند و از سوی دیگر، مطالعات جنسیتی تفسیری-انتقادی^۴، با تحلیل چندگانه متغیر به ویژه در رابطه با کارکردهای جنسیت به بحث می‌پردازد. بازنمایی‌های جنسیتی علی‌رغم تغییرات بزرگ و ناپایدار زمان و مکان، همچنان مانند نیروی قدرتمندی تفاوت این دو حوزه جنسیتی را نشان می‌دهند.

1. The Presentation of Self in Everyday Life

2. dramaturgical

3. Gender Advertisements

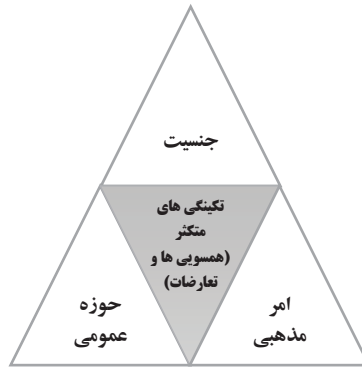
4. Critical - interpretive

لذا در حالی که تحلیل محتوای کمی بر روی نشان دادن جنسیت و محبوس کردن آن در اعداد متمرکز هست، مطالعات تفسیری نشان می‌دهد چگونه جنسیت با ویژگی‌هایی مانند نژاد، طبقه یا جهت‌گیری جنسی با پویایی‌های درونی‌اش، تلاقی دارد (Kuipers, 2017:633).

منزلت و کسب پرستیژ و مقام از جمله انگاره‌هایی هستند که در رابطه با هر کنش سوژه‌ها تبلور عینی دارند. در این باره ما ممکن است با «عطش منزلتی»^۱ (شالچی، ۱۳۹۲)، «منزلت اجتماعی»^۲ (فیروزجائیان و گرامی، ۱۳۹۳) و یا «مقام‌یابی» (گیدنز، ۱۳۹۷: ۱۱۰) مواجه باشیم. گیدنز در آرا خود با استفاده از مفاهیمی مانند فضا - زمان، مقام‌یابی را در ساخت جامعه بررسی و تجزیه و تحلیل کرده است. در واقع، گیدنز سعی می‌کند همان انگاره‌های نمایشی، تفاخرآمیز و منزلتی که در آرا گافمن، وبلن و وبر وجود دارد را در مقام یا موقعیت‌مندی کنش‌گر یا کنش‌گرانی جستجو کند که در سراسر زمان - فضا، نظام‌های اجتماعی را می‌سازند یا ساخت می‌دهند. گیدنز تأکید کرده است که نظام‌های اجتماعی که به عنوان رویه‌های اجتماعی قاعده‌مند، سازمان می‌یابند، در ملاقات‌های پراکنده در سراسر زمان - زمان تداوم می‌یابند. ولی کنش‌گرانی که رفتارشان چنین رویه‌هایی را می‌سازد مقام می‌یابند. از نظر گیدنز همه‌ی کنشگران منزلت‌یافته یا موقعیت‌مند در زمان - فضا در امتداد آنچه هگستراند مسیره‌های زمان - فضا می‌نامد، زندگی می‌کنند و آنها چنانکه اصطلاح عملی مقام اجتماعی نشان می‌دهد از جنبه‌ی رابطه، مقام می‌یابند. نظام‌های اجتماعی فقط در استمرار رویه‌های اجتماعی و از طریق آنها، محو شده در زمان وجود دارند. مقام و منزلت اجتماعی از منظر گیدنز مستلزم داشتن هویت معینی در شبکه‌ی روابط اجتماعی است (گیدنز، ۱۳۹۷: ۱۱۰). هر دو عنصر نمایش و هم‌حضور زنان و تلاش برای کسب مقام و منزلت، متقوم هسته‌ی اصلی و پیوند دهنده‌ی سه نقطه‌ی امر مذهبی، جنسیت و حوزه‌ی عمومی در ساخت پژوهش هستند. در واقع، این دو مفهوم گافمن و گیدنز مسئله‌ی پژوهش مبتنی بر سه ضلع پیش‌گفته را تبیین می‌کنند.

1. Thirst for status

2. Social prestige



شکل شماره ۱. طرح شمانیک چارچوب مفهومی پژوهش

۴- روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش کیفی پدیدارشناسی بهره گرفته شده است. پدیدارشناسی عبارت است از مطالعه‌ی پدیده‌ها از هر نوع و توصیف آنها با در نظر گرفتن چگونگی بروز تجلی آنها قبل از اینکه هرگونه ارزش‌گذاری، تأویل و یا قضاوت ارزشی شده باشد. به عبارت دیگر، اگر پدیدارشناسی را معناشناسی بدانیم، معنایی که در زندگی افراد پدیدار می‌شوند، یک نظام معنایی را تشکیل می‌دهند. این نظام معنایی با اضافه کردن وجود به زمان و مکان حاصل می‌شود؛ یعنی یک شناخت مضاف به زمان و مکان که آن را «تجربه زندگی» می‌نامند (میرحسینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵) به نقل از امامی سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۷).

در متن گزاره‌های پژوهش حاضر، افرادی با جنسیت زنانه قرار دارند که به دنبال کشف معنا و هویت در تجربه‌هایی دینی خود هستند که این تجربه‌های دینی می‌توانند منحصر و خاص نیز باشند. همچنین، علاوه بر وجوه فردی تجربه و لزوم توجه پدیدارشناسانه به آن، ما با برساخت‌هایی مواجه هستیم که این تجربه‌های پدیدارشناسانه را شکل می‌بخشند. یعنی ساختی کلی از مجالس مذهبی منحصرأ زنانه وجود دارند که در آن شکل‌های دیگری از کنش مانند کسب منزلت و نمایش هویت جنسیتی رخ می‌دهند. در واقع ما با معنایی سروکار داریم که در حوزه‌ی عمومی به واسطه‌ی هم‌حضور زنان و برساخت هویت جنسیتی‌شان و همچنین کسب منزلت و مقام، ساخته می‌شوند. معانی و درون‌مایه‌های مفهومی که زنان از این طریق می‌سازند، موجب پدیداری ساخت مجالس مذهبی زنانه می‌شود. از این رو، روش کیفی مبتنی بر ایده‌ی پدیدارشناسی بهترین چارچوب مفهومی است که می‌تواند بر میدان کنش‌های مدنظر پرتو افکند. پژوهش‌گران کیفی

مایل اند بدانند که افراد چگونه تجربه‌های خود را تفسیر می‌کنند، جهان خود را چگونه می‌سازند و به تجربه‌های خود چه معنایی می‌دهند. تحقیق کیفی درصدد شناسایی آن است که چگونه انسان‌ها خودشان و بسترشان را تنظیم می‌کنند و از چه طریق این بسترهای اجتماعی پیرامون خودشان را از طریق نمادها، مراسم، ساختارهای اجتماعی، نقش‌های اجتماعی و غیره معنادار می‌کنند (کر می قهی و پای‌نژاد، ۱۳۹۱: ۹).

در این پژوهش با تأکید بر تکنیک تحلیل مضمونی برای کشف معانی پدیدار شده به صورت مشخص، ما به دنبال رسیدن به فهم مشترک شرکت‌کنندگان در مجالس مذهبی زنانه از نظر زمینه‌های حضور و تأثیرات این مجالس بر آنان، بررسی تعارضات و همسویی‌های غالب و در نهایت ارائه تعریفی مبتنی بر این میدان کنش متقابل هستیم. بر همین اساس تلاش شد در این پژوهش با تأکید بر رویکرد اکتشافی از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته برای گردآوری اطلاعات استفاده شود. همچنین با توجه به انتخاب روش کیفی از نمونه‌گیری غیراحتمالی و هدفمند استفاده شد. نمونه‌گیری غیراحتمالی مناسب‌ترین راهبرد نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی است و رایج‌ترین صورت آن، نیز نمونه‌گیری هدفمند نامیده می‌شود. بعضی از پژوهش‌گران کیفی، نظیر لوکومنت و شنسول، از لفظ انتخاب ملاک‌محور استفاده می‌کنند. در انتخاب ملاک‌محور ابتدا محققین تصمیم می‌گیرند کدام ویژگی‌های نمونه برای مطالعه اهمیت دارد و سپس افراد یا مکان‌هایی را پیدا می‌کنند که مقتضیات آن ملاک‌ها را برآورده کنند (میرام و تیسدل، ۱۳۹۸: ۱۱۱-۱۱۰). در اینجا، ملاک‌هایی نظیر زن بودن، داشتن حداقل ۱۸ سال سن و حضور فعالانه در مجالس به گونه‌ای که افراد بتوانند در مورد کلیت مجالس به فهم نسبی رسیده به پرسش‌های پژوهش پاسخ‌های معنادار بدهند، مورد توجه قرار گرفت. در جدول شماره ۱، اطلاعات جمعیتی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش آورده شده است.

جدول شماره ۱. ویژگی‌های جمعیتی نمونه‌های تحقیق

شماره	نام	سن	تاهل/تجرد	تحصیلات	شغل
۱	فاطمه زهرا	۲۲	مجرد	دانشجوی لیسانس	دانشجو
۲	مینا	۲۴	متاهل	لیسانس	خانه دار
۳	مهديه	۲۹	متاهل	دیپلم	خانه دار
۴	زهرا سادات	۲۷	متاهل	لیسانس	شاغل
۵	اعظم	۵۶	متاهل	دیپلم	شاغل
۶	فاطمه	۳۷	مجرد	دیپلم	شاغل
۷	سمیه	۴۲	متاهل	خانه‌دار	شاغل
۸	لیلا	۲۳	مجرد	لیسانس	بیکار
۹	ابتهام	۳۱	مجرد	دانشجوی دکتری	دانشجو
۱۰	حسنى	۲۹	متاهل	فوق لیسانس	شاغل
۱۱	راحله	۳۱	متاهل	لیسانس	خانه دار
۱۲	پوران	۴۷	متاهل	زیردیپلم	خانه دار
۱۳	زینب	۵۶	متاهل	سواد حوزوی	شاغل
۱۴	مرضیه	۲۱	مجرد	دانشجوی لیسانس	دانشجو
۱۵	ریحانه	۳۶	متاهل	دیپلم	شاغل
۱۶	مهین	۵۱	متاهل	زیردیپلم	خانه دار
۱۷	حسنى	۳۲	مجرد	دانشجوی فوق لیسانس	بیکار
۱۸	شریفة	۴۹	متاهل	سواد قرآنی	خانه دار

شماره	نام	سن	تأهل / مجرد	تحصیلات	شغل
۱۹	مریم	۳۶	متأهل	فوق لیسانس	شاغل
۲۰	ساجده	۵۱	متأهل	زیردیپلم	خانه دار
۲۱	محدثه	۲۷	مجرد	لیسانس	بیکار
۲۲	طهورا	۲۲	مجرد	لیسانس	بیکار
۲۳	فائقه	۳۸	متأهل	سواد حوزوی	خانه دار
۲۴	نفیسه	۲۸	متأهل	فوق لیسانس	شاغل
۲۵	ملیحه	۳۳	متأهل	دانشجوی دکتری	دانشجو
۲۶	آیه	۴۵	متأهل	سواد حوزوی	خانه دار
۲۷	اکرم	۵۷	متأهل	زیردیپلم	خانه دار
۲۸	پرینسا	۴۳	متأهل	دیپلم	شاغل
۲۹	سهیلا	۵۲	متأهل	سواد قرآنی	خانه دار
۳۰	ثنا	۲۳	مجرد	دانشجوی لیسانس	دانشجو

۵- یافته‌های پژوهش

بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمونی و یافته‌های به دست آمده از مصاحبه‌های صورت پذیرفته با مشارکت کنندگان پژوهش، ابتدا ۵۶ کد اولیه استخراج شد. این کدهای اولیه به مثابه‌ی کدگذاری باز در پژوهش مورد توجه محقق قرار گرفتند. برای ساخت مقولات و تم‌های اصلی به منظور کشف معنای نهفته در تجربه‌ی زیسته‌ی زنان مشارکت کننده در مجالس مذهبی، این کدها با یکدیگر ادغام شده و کدهای مشترک تولید شدند. در جدول شماره ۲ تلفیق کدهای مشترک و انتزاع تم‌های اصلی آمده است.

جدول شماره ۲. کدهای اولیه، تم‌های فرعی و اصلی

مقوله‌ی اصلی	مقوله‌های فرعی	کدهای اولیه	
هویت‌یابی جنسیتی	حضور زنان	علاقه به حضور در جمع زنانه و دیدن سخنرانی زنان	
		تعهد کاری زنانه	
		توأم بودن برکت و دورهمی	
		اهمیت حضور زنان	
	امر زنانه	نشان دادن توانایی زنان در برپایی مجلس وعظ	
		شناخت از تواناهایی	
		اهمیت قوی بودن زنان	
		جذابیت زنانه بودن مجلس	
		احساس رضایت از زنانه بودن مجلس	
	هسته‌های زنانه	برجسته شدن هویت زنانه	
		برجسته بودن نقش فرهنگی و اجتماعی زنان	
		دور بودن از مسائل مردانه در جمعی کاملاً زنانه	
	مقام‌یابی و تخصیص هویت اجتماعی	احترام و مرتبه اجتماعی	افزایش منزلت اجتماعی
			ایجاد حس رضایت
			حس خوب احترام به انسان‌ها در این مجالس
تخصیص هویت		ایجاد شخصیت برای صاحبان مجالس	
		خلق موقعیت‌های اجتماعی تأثیرگذار	

رکن مرکزی مجالس مذهبی زنانه موضوعات مذهبی هستند که عامل انسجام و اساساً شکل‌گیری این مجالس هستند. این ایده‌ها به عنوان مدرکات آگاهی فردی (زنان شرکت‌کننده در مجالس) وظیفه‌ی تولید معنا را بر عهده دارند. بر مبنای ساخت پدیدارشناسانه‌ی موجود در این پژوهش افراد این آگاهی و معنا را قصد می‌کنند و قصدیت عامل اصلی تهییج سوژه‌ها به سمت تولید معناهای مختار است. به مرور زمان و با ظهور سویه‌های مدرنیستی مصرف و تلفیق کارکردی آنها با ابره‌های مذهبی، هر دو به تکوین یک ساخت دست می‌زنند. ساخت مذکور ترکیبی

از ایزه‌های مذهبی و ایزه‌های زنانه‌ای است که محصول انگیزه‌های حضور زنان در این مجالس به واسطه‌ی کسب هویت‌یابی جنسیتی و منزلت و مقام است. در واقع، علل و انگیزه‌های حضور زنان در سه ساحت جنسیت، امر مذهبی و حوزه‌ی عمومی متأثر از منزلت و هویت منجر به تأسیس ساخت کلی مجلس مذهبی زنانه می‌شوند. آنچه در سطحی بالاتر این کلیت‌ها را دربر می‌گیرد، تعارضات و همسویی‌هایی است در علل و انگیزه‌ها نهفته است و در کسب منزلت و هویت نقش اصلی را بازی می‌کند.

۵-۱- هویت‌یابی جنسیتی

مقوله‌ی هویت‌یابی جنسیتی مقوله‌های فرعی حضور زنان، امر زنانه و هسته‌های زنانه را در بر می‌گیرد. در دسته‌بندی‌های صورت گرفته هویت‌یابی جنسیتی به ترتیب از کردارهای معمول زنانه بدون حضور مردان آغاز می‌شود و در ادامه حدی از زنانگی را به مثابه‌ی کنش در خود جای می‌دهد و در نهایت امر زنانه در قالب هسته‌های اجتماعی و یا فرهنگی زنانه برساخته می‌شود که در آن کردار و کنش نقش پررنگی دارند. به زبان دیگر حرکت از ساحت اول (یعنی مضمون حضور زنان) تا ساحت سوم (یعنی هسته‌های زنانه)، حرکتی نرم از نفی به ایجاب یعنی از حضور زنانه به مثابه‌ی هویتی زنانه در نفی حضور دیگری (یعنی مردان) تا برجسته شدن هویت زنان به عنوان کنش ایجابی است.

در این ساحت از مضمون هویت‌یابی جنسیتی، حضور زنان به عنوان گزاره‌ای غیرایجابی و بدون کردارها و کنش‌های مشخص تحلیل و تفسیر شده است. زنان در کنشگری خود در این ساحت از حضور، بدون در نظر گرفتن پیامدهای اجتماعی رفتارشان و بدون توجه به نقشی که این حضور می‌تواند برای آنها معنادار باشد، مشخصاً حضور خود را اعلام می‌کنند. به نظر می‌رسد اولین سطح و لایه از نقش‌گیری زنان و هویت‌یابی جنسیتی آنان در حوزه‌ی مذهب، حضور آنان در برساخت امر مذهبی است. انجام کارهای مذهبی بدون حضور مردان و یا بدون حضور جلوه‌ی بیرونی آنها، می‌تواند اولین تلاش زنان برای ایفای نقش جنسیتی در ساخت امر مذهبی تلقی شود. زنان این نوع از کنش را که به حضور و دست‌اندرکار بودن آنها می‌انجامد و رفته رفته و به تدریج به تشکیل هسته‌های زنانه منجر می‌شود، بر مبنای تداخل هویت جنسیتی و حوزه‌ی عمومی‌شان که با حوزه‌ی عمومی مردانه متفاوت است، شکل می‌دهند. در این حوزه‌ی عمومی زنان می‌توانند کنشگری کنند و حضورشان را با کرداری عینی مانند سخنرانی هویت بخشند، کنشی که در حوزه‌ی عمومی به معنای عام آن (در جامعه به شکل کلی و تام آن) امکانپذیر

نیست و معمولاً هزینه‌های زیادی بر آن تحمیل می‌شود. در مورد این مضمون ریحانه ۳۶ ساله، دیپلمه، شاغل و متأهل می‌گوید:

«تو جامعه ما زنان نشون دادن توی انجام دادن کار مذهبی دست کمی از مردان ندارن و من وقتی تو این مجالس مذهبی که فقط زنان دست‌اندرکار هستن شرکت می‌کنم و می‌بینم مثلاً سخنرانی می‌کنن علاقم بیشتر و بیشتر می‌شه».

در ساخت اجتماعی حضور زنان در مجالس مذهبی زنانه، امر مردانه نمی‌تواند وارد میدان کنش شود. امر مردانه در تصاحب میدان امر مذهبی در کلیت اجتماعی‌اش زنان را کنار زده و تا حدودی همه‌ی عناصر میدان را به صورت سنتی درون خود رسوب داده است. بنابراین طبیعی است که زنان بخواهند در مجالسی زنانه امر مردانه را طرد و وضعیتی زنانه را درون آن مستقر کنند. فاطمه در نقل قول زیر به همین موضوع اشاره کرده و بیان می‌کند که زنان می‌توانند میدان کنش مذهبی را از آن خود کنند و در این راه نیازی به حضور مردان احساس نمی‌کنند. به عبارت دیگر، در اینجا حضور زنان مشتمل بر حضور صرفاً زنانه است و این اولین گام برای ایفای نقشی است که به هویت‌یابی جنسیتی آنان منجر می‌شود؛ نقشی که با حضور صرفاً زنانه در سیمای سلبی شروع شده و به تشکیل هسته‌های اجتماعی زنانه در منطقی‌ایجابی می‌انجامد. فاطمه ۳۷ ساله، دیپلمه، شاغل و مجرد می‌گوید:

«به اعتقاد من زنان می‌تونن با همدیگه از عهده امورات خودشون بر بیان. مجلس مذهبی زنانه یکی از نشانه‌های این حرف منه. ما زنان از هر نظر خیلی بهتریم».

در مورد این مضمون گزاره‌های دیگری نیز قابل مطرح شدن است. در اینجا زنانه بودن مجلس به مثابه‌ی «حضور» زنان برجسته می‌شود که در آن هم دوره‌می زنانه مشخص است و هم زمینه‌های مذهبی قابل مشاهده است. دوره‌می زنانه و سرعت رسیدن به آن به احتمال زیاد دارای منطقی قوی در دوری از چیزی است که می‌تواند مردانه تلقی شود. در همین رابطه، ساجده ۵۱ و دیپلمه ساله می‌گوید:

«دوره‌می زنانه به خصوص که برکت و سفره هم توش باشه، خیلی خیلی برای من دلنشین هست. واقعاً به جمع زنانه و مجالس مذهبی علاقه دارم و هر وقت این مجالس برگزار بشه به سرعت خودم رو می‌رسونم».

در این نقل قول امر زنانه با خصوصیت دلنشینی از امر مردانه مجزا می‌شود و به سرعت میدان کنش مذهبی را در تملک خود می‌بیند. زنان وقتی حضور خود را در میدانی زنانه احساس می‌کنند، حوزه‌ی عمومی‌ای را به مثابه‌ی سازهای اجتماعی برای خود ترسیم می‌کنند که می‌تواند دلنشین‌تر از کنش‌های مذهبی‌ای باشد که امر مردانه در آن دخیل است یا اساساً میدان را صرفاً برای بازیگری مردان مهیا می‌بیند. در اینجا، اتفاق دیگری نیز رخ می‌دهد و آن عدم وجود مانعی ذاتی برای ایفای نقش زنان در میدان مذهب است. البته این موانع در مراسم‌های مذهبی عام و در مناسبت‌های دینی در سطح جامعه مشاهده می‌شود و امر زنانه بیشتر نظاره‌گر تعیینات مذهبی جامعه‌ی تا کنشگر است؛ ولی در مجالس مذهبی زنانه شکل دیگری از حضور زنانه به منصفه ظهور می‌رسد که صرفاً زنانه است و مردان امکان تسخیر فضا - زمان مربوطه را ندارند.

در مضمون امر زنانه درجه‌ی کنشگری زنان در برساختن مفهوم اصلی یعنی مضمون هویت‌یابی جنسیتی به نسبت مضمون حضور زنان بیشتر و به نسبت هسته‌های زنانه کمتر است. در تفسیر مصاحبه‌ها و ایجاد مضمون امر زنانه به عنوان معیاری برای سطحی از کنشگری زنان در تشکیل هویت‌یابی جنسیتی، ما با چند سطح از کنش و کردار نظیر استقلال زنان، قوی بودن زنان، مدیریت کردن زنان، مسئولیت‌پذیری و ... مواجه هستیم که با یکدیگر ارتباط معناداری دارند به گونه‌ای که می‌توان بین آنها نوعی همپوشانی مفهومی را مشاهده کرد. این موارد گزاره‌هایی هستند که در لایه‌های مختلف کنش و کردار به ساخت امر زنانه کمک می‌کنند. طهورا ۲۲ ساله دارای مدرک لیسانس، مجرد و بیکار می‌گوید:

«توی دانشگاه با بچه‌ها و خانم‌های هم‌دانشگاهی کارهای سیاسی و اجتماعی می‌کردیم. کانون خیریه داشتیم و همه همه خانم بودیم. فکر کنم هر وقت خانم‌ها مسئول چیزی میشن مسئولانه‌تر پیگیری می‌کنن و کارها بهتر پیش میره».

همانطور که اشاره شد، در این مقوله از ساحت معنایی حضور زنان فراتر می‌رویم. در واقع، همچنان که داده‌های این مصاحبه نشان داده است فعالیت و کنش صورت گرفته توسط زنان به‌مثابه‌ی امری ایجابی و مثبت به سوی ساخت فضا - زمانی حرکت می‌کند که سوژگی زنان نیز در آن پدیدار می‌شود. به عبارت دیگر، طهورا اشاره دارد که فعالیت و کنش سیاسی زنان به علت رفتار مسئولانه‌ی آنها باعث می‌شود کارها سریع‌تر پیش روند و از این رو، حوزه‌ی عمومی‌ای در اینجا ساخته می‌شود که زنان ابژه‌های خود را «می‌سازند» و صرفاً رفتار منفعلانه از خود نشان نمی‌دهند.

مضمون هسته‌های اجتماعی به مثابه‌ی هسته‌هایی اجتماعی و فرهنگی است که در آن زنان کنش‌های فعالانه را در تبیین نقش خود به عنوان سوژه‌های آگاه انجام می‌دهند و بالاترین درجه‌ی کنش و کردار اجتماعی در آن‌ها قابل ردیابی است. در ایجاد این مضمون دو مفهوم نقش مهمی دارد. یکی مفهوم متفاوت بودن (تفاوت با گذشتگان، پدر و مادر، سنت و ...) است که این تفاوت احتمالاً محرک اصلی در فکر کردن به ساخت هسته‌های اجتماعی زنانه است. در این باره، فاطمه زهرا ۲۲ ساله، دانشجو و بیکار می‌گوید:

«مسائل مذهبی برای من و خانواده‌ام همیشه اولویت داشته. البته دیدگاه من یکم متفاوت هست. من دوست دارم زنان همه کارهاشون رو خودشون انجام بدهند حتی توی مسائل مذهبی. مامان من بدون بابام همیشه می‌گه کارها جلو نمیره و روضه نمی‌گیره. اما من می‌گم روضه‌های زنانه خیلی بهترن».

تلاش برای انجام فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی به عنوان زمینه‌ای برای نشان دادن توانایی‌های زنان مفهوم دیگری است که بیانگر نوع دیگری از تقلا برای کنشگری است. یعنی تنها نمی‌توان به توانایی زنان در زبان بسنده کرد بلکه باید این توانایی را عملاً نشان داد و آن را به منصفه ظهور رساند. سمیه متأهل، ۴۲ ساله، خانه‌دار و کارمند می‌گوید:

«من از وقتی سنم پایین تر بود با مادرم تو روضه شرکت می‌کردم. راستش ازدواج منم تو همین مجالس شکل گرفت. یعنی این مجالس فقط به امور مذهبی نمی‌پردازه و کارهای اجتماعی و فرهنگی دیگری هم توش انجام میشه. اعتقاد دارم زن‌ها وقتی خودشون با همدیگه کار اجتماعی می‌کنن می‌تونن بیشتر مفید باشن و اصلاً بیشتر توانایی‌هاشون را بشناسند».

۲-۵- مقام‌یابی و تخصیص هویت اجتماعی

احترام و مرتبه‌ی اجتماعی و تخصیص هویت دو مقوله‌فرعی است که مبین این مقوله‌ی اصلی است. در میدان اجتماعی دین، زنان می‌توانند کنشگرانی باشند که عادت‌واره‌های خود را نه صرفاً به شکلی سنتی تحمیل شده؛ بلکه در کنشی متقابل انتخاب کنند. زنان در مجالس مذهبی زنانه وقتی مقام و منزلت را درک می‌کنند و از ابژه‌های مربوط به امر زنانه عبور می‌کنند، گام در ساخت هویتی زنانه می‌گذارند که برای آنها ثبات را به ارمغان می‌آورد. به عبارتی کردار زنان در مجالس مذهبی زنانه در طول زمان عادت‌واره‌های آنها را تشکیل و به آنها نقش می‌دهد. این نقش با خود ثبات را به دنبال دارد و این ثبات به اصالت‌مندی هویتی منجر می‌شود. به این معنی که شرکت

در این مجالس صرفاً بازدید یا نمایش سبک زندگی خاص، امری دوستانه و یا مصرف‌گرایانه نیست بلکه همه‌ی این گزاره‌ها جمع می‌شوند تا از درون صورت‌های معنادار ابژه‌های مادی، حفظ منزلت و کسب هویت شخصی را برکشند.

احساس احترام و مرتبه‌ی اجتماعی از چند جنبه مورد توجه مصاحبه‌شوندگان بود. اولین انگاره، حس احترامی بود که افراد حین و بعد از شرکت در این مجالس از برخورد افراد مختلف می‌گرفتند. این حس احترام برای افراد انگیزه‌ای ایجاد می‌کرد تا متعاقب آن احساس کنند مرتبه و منزلت آنها افزایش یافته است. زهرا سادات ۲۷ ساله، لیسانس و شاغل می‌گوید:

«وقتی پای سفره احسان میشینی یا تو روضه شرکت می‌کنی، احساس می‌کنی رضایت بیشتری از خودت داری چون حس خوبی از احترام وجود داره. من هدفم تو زندگی رضایت خداست و تا این حس درونی نشه آدم نمی‌تونه خیالش راحت بشه».

در این نقل قول، سوژه به دنبال رهایی خود و قصد یکی شدن با ابژه‌های مذهبی را دارد و در این حالت است که حوزه‌ی عمومی او بر ساخته می‌شود. در واقع، هویت جنسیتی این مشارکت‌کننده با کنش مصرف و تصورات ایجاد شده از آن در ساخت طبقاتی ذهنی، فضای نمایش و برآورده کردن ساخت‌های جنسیتی درون نمایش مذکور یا با ابژه‌سازی‌هایی متضاد و یا متعارض با ابژه‌ها و تعینات مذهبی ساخته نمی‌شود؛ بلکه با اینهمان کردن خود و سوژگی‌اش در تعینات مذهبی ساخته می‌شود. به عبارت دیگر، میدان کنش بین سه حوزه‌ای که در چارچوب مفهومی از طریق یک مثلث توضیح داده شد، در حد اعلی همبسته بودن قرار می‌گیرند.

همچنین در ساخت مجالس مذهبی زنانه ظهور سرمایه اجتماعی در قالب تخصیص هویت اجتماعی در گفتارهای مصاحبه‌شوندگان اهمیت داشته است. بدین معنا که افراد شخصیت فردی خود را با عنصر مذهب می‌سازند و در دیالکتیک با اجتماع مذهبی هویتی اجتماعی می‌یابند. این فرد، هویت شخصی را از درک خودش از خویش و هویت اجتماعی را در تعامل و عمل متقابل با دیگران می‌سازد. سهیلا، ۵۲ ساله دارای سواد قرآنی، خانه‌دار و متأهل می‌گوید:

«شخصیتی که صاحب این مجالس کسب می‌کنه از برکات سفره‌ای هست که تو این مجالس پهن می‌شه. من از قدیم دیدم این افراد به عنوان شخصیت‌هایی مهم مورد رجوع دیگر خانواده‌ها و زنان و دختران قرار می‌گیرن».

نکته‌ی مهم در اینجا، تلاقی ایجابی و هم‌افزایی است که ابژه‌های هویتی و جنسیتی زنان در برساختن مرجعیت اجتماعی با تعینات مذهبی دارند. در این نقطه، سوژه‌ها درون متن مذهب

می‌مانند و از منطق این مجالس عدول نمی‌کنند (مانند کنشی که در مصرف بعضاً در این مجالس مشاهده می‌شود). در این صورت هویت جنسیتی در نتیجه کنشگری سوژه‌ها برجسته و مرجعیت اجتماعی به واسطه‌ی امر مذهبی هویدا می‌شود و حوزه‌ی عمومی‌ای شکل می‌گیرد که درون خود وفاقی اجتماعی - دینی را پدیدار می‌کند. البته این وفاق کاملاً زنانه است و ساحتی از معنای زنانه را بازتولید می‌کند که می‌تواند مرجعیت سنتی مردان را در امر مذهبی دچار ابهام کند. این زنان می‌توانند از طریق مرجعیت کسب شده، نهادسازی کنند و از طریق بسط حوزه‌ی عمومی‌شان دایره‌ی وسیعی از کارکردهای اجتماعی - مذهبی را به منصفه ظهور برسانند. مثال مهم برای این کارکردها، انجام کار خیر، پیشقدم شدن در مناسبت‌های اجتماعی و فرهنگی، دادن وام‌های خانگی از طریق اعتماد ایجاد شده درون این مرجعیت‌ها و ایجاد رفت و آمدهای بیشتری است که فارغ از مجالس مذهبی نیز بین اعضاء انجام می‌شوند.

لذا پیوند اجتماعی از طریق همگرایی ایجابی بین تعینات مذهبی و ابژه‌ی هویت اجتماعی ایجاد می‌شود و تعینات مذهبی باعث می‌شوند ابژه‌ی مقام‌یابی اجتماعی - مذهبی در قالب حس رضایت، ایمان قوی‌تر، منزلت بیشتر، مرجعیت اجتماعی و ... بر سوژه پدیدار شوند و سوژگی زنان این‌گونه معنای خود را در میدان مجالس مذهبی متعین ببینند. در همین رابطه، ساجده ۵۱ ساله، متأهل و خانه‌دار می‌گوید:

«روضه و مجلس مذهبی شکوه و عظمت داره. انسان به آرامش روحی و قلبی می‌رسه. حضور خدا را می‌بینه و باورش [به خدا] بیشتر می‌شه. به این شکل خود آدم احساس شأن و منزلت بیشتری می‌کنه».

همانطور که اشاره شد، این رفتار ناشی از پیوند و هم‌افزایی بین تعینات مذهبی و اقبال فردی و اجتماعی به آنها است که ساخت مجالس مذهبی زنانه را شکل می‌دهد. در واقع، در این ابژه‌سازی، سوژه‌ها بیشتر با تولید اجتماعی سروکار دارند تا مصرف مدرنیستی. در مقوله‌ی اول فشار نقش به سمت امر زنانه (دارای فاصله‌ای نسبی با امر مذهبی در متعین کردن حوزه‌ی عمومی) هدایت می‌شود ولی در مقوله‌ی دوم، فشار نقش، سوژه‌ها را سوار بر میدان و در تعامل با آن می‌بیند. از این رو، به تعبیر گافمن، هویت اجتماعی شخص نقش آگاهی‌بخشی می‌یابد و پدیدارهای خود را خلق می‌کند و مصرف‌کننده‌ی صرف نخواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش بر این است تلفیقی از بافت معنایی فرد در ساحتی پدیدارشناسانه با مورفولوژی اجتماعی کنش‌های فردی صورت پذیرد؛ یعنی نوعی حرکت از تکوین فردگرایانه به سمت ساخت مجالس مذهبی زنانه در زمینه‌های به دست آمده (هویت‌یابی جنسیتی و مقام‌یابی). در این حرکت، رفتارهای فردی در تکینگی‌شان با کنش جمعی به‌مثابه‌ی یک ساخت، آنچنان که گیدنز اشاره کرده است، در هم‌می‌آمیزند و نوعی تکثر را می‌آفرینند و این تکثر نیز به نوبه‌ی خود به همسویی‌ها و تعارضاتی می‌انجامد. حال، چگونه می‌توان کنش زنان را در منطق تکینگی و تکثرشان در حوزه‌ی رفتار فردی به ساخت اجتماعی‌شان متصل کرد و از آن گزاره‌های معنادار استخراج کرد؟ سه ضلع امر جنسیتی، امر مذهبی و حوزه‌ی عمومی با سوژگی زنانی که در مجالس مذهبی شرکت می‌کنند و معناهایی را می‌آفرینند، به تولید امر تکینه و متکثر به صورت هم‌زمان می‌پردازند. در هویت‌یابی جنسیتی از حضور صرف زنانه تا تشکیل هسته‌های اجتماعی زنانه، در تکثری از حضور زنان در برساخت امر مذهبی در حوزه‌ی عمومی‌شان، از تکینگی کمتر امر زنانه به سمت تکینگی بیشتر حرکت می‌کنیم. حضور زنانه در این مجالس چون بر مبنای نوعی نفی در مقابل امر مردانه قرار دارد، واجد کمترین تکینگی و تمایل به تشکیل هسته‌های زنانه به منزله‌ی امری که حضور زنانه را به صورت ایجابی و کنش‌مند بازنمایی می‌کند، واجد بیشترین تکینگی است. یعنی تمایل به منحصر به فرد بودن حضور زنان در تشکیل هسته‌های زنانه که در آن زنان خود به ایراد سخنرانی مذهبی می‌پردازند، خود تمام امور اجرایی و هماهنگی‌ها را انجام می‌دهند و در نهایت خود به خلق معنایی منحصر از حضور زنان در دوگانه‌ی حوزه‌ی عمومی - امر مذهبی می‌پردازند. به عبارت دیگر، حرکت از تکوین فردگرایانه به سمت ساخت اجتماعی، با تکینگی بیشتر همراه است. در همین نقطه، یعنی تکینگی بیشتر زنان در تعیین و نقش‌گیری اجتماعی - مذهبی‌شان، تعارضات نیز بیشتر می‌شود چرا که این ساخت با کنشگری فعالانه‌ی زنانه همراه است و این موضوعی است که چه در امر مذهبی به‌مثابه‌ی سنت و چه به صورت عرفی، کمتر مورد پذیرش قرار می‌گیرد و برعکس، همسویی‌ها با حضور زنان به عنوان افرادی که نوعی دورهمی صرف زنانه دارند و الزاماً به دنبال نقش‌گیری فعالانه‌ی اجتماعی نیستند، بیشتر است. در این دو حالت، دو اتفاق می‌افتد. در تکینگی و تعارضات بیشتر، رأس مثلث در شکل شماتیک در چارچوب مفهومی، قاعده را به سمت خود برده و سعی در تشکیل یک مثلث بزرگتر به شکل کنشگری محض زنان دارد که با همدستی حوزه‌ی عمومی این اتفاق رخ می‌دهد.

در مقام‌یابی اجتماعی زنان نیز شاهد همین بازی امر تکینه و امر متعارض هستیم. در تکوین‌گرایی فردی زنانه در کسب احترام اجتماعی و تخصیص مرتبه‌ی اجتماعی، تکینگی کمتری در رفتار و کنش مشاهده می‌شود چرا که این احترام کنشی عرفی است که در هر ساختی در ساحت فردی امکان بازنمایی دارد. از این رو، امکان همسویی بین سه ضلع مثلث یعنی جنسیت، حوزه‌ی عمومی و امر مذهبی در فضایی متکثر وجود دارد. در عین حال، وقتی احترام و منزلت اجتماعی به سمت مرجعیت یافتن زنان حرکت می‌کند و سویه‌های ساخت اجتماعی کنشگری زنان در نسبت با رفتار صرفاً فردی بیشتر می‌شود، به خاطر اینهمانی سوژه با امر مذهبی و برساخته شدن مرجعیت زنان در حوزه‌ی عمومی یا تمایل به ایجاد آن، تکینگی کنش بیشتر شده و باز هم رأس مثلث یعنی امر جنسیتی در شکل‌دهی به تخصیص هویت اجتماعی قاعده را به سمت خود کشیده و از این رو، امکان ایجاد تعارض بیشتر می‌شود. چرا که در اوج تکینگی مرجعیت یافتن زنان احتمالاً دیگر کنشگران مرجعیت‌خواه چه در حوزه‌ی عمومی (مانند مردان) و چه در ضلع امر مذهبی (سنت) تعارض بیشتری با این ساخت پیدا می‌کنند.

۱۲۹

از ایجاد تکثر و تکینگی و تعارضات و همسویی‌های احتمالی آن در مجالس مذهبی زنانه می‌توان فهمی عینی را صورت‌بندی کرد. بدین صورت که در صورت تبدیل این مجالس به ساخت اجتماعی، چون تکینگی و تعارضات بیشتری به وجود می‌آید، در آینده شاهد کمتر شدن این مجالس در جامعه خواهیم بود. چرا که چندین حوزه‌ی اجتماعی و سنتی دیگر در کارکردهای فرهنگی-اجتماعی خود، امکان سربرآوردن تکینگی‌های متعارض و ناهمسو را نمی‌دهد. از سوی دیگر، انباشت کنش در رفتار فردی بدون سرریز آن در حوزه‌ی اجتماعی به عنوان یک ساخت، یعنی امکان تعارض کمتر و همسویی بیشتر در مجالس مذهبی زنانه، به نوبه‌ی خود، امکان تداوم این مجالس را از منظر دیگری ممتنع می‌کند.

منابع

- ◀ بودن، ریمون، (۱۳۸۹). مطالعاتی در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک ۲، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
- ◀ بهمن‌زاده، مینا، (۱۳۹۳). «تحلیل مردم‌شناختی مجالس مذهبی زنانه (مورد مطالعه: محله جنت‌آباد جنوبی)»، پایان‌نامه کارشناس ارشد مردم‌شناسی، استاد راهنما محمد‌همايون سپهر، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاده اسلامی واحد تهران مرکز.
- ◀ رضوی‌زاده، ندا، (۱۳۸۴). «امر زنانه؛ از حاشیه به متن»، سایت معاونت امور زنان و خانواده‌ی ریاست جمهوری: <http://women.gov.ir/fa/news/3616>.
- ◀ رنجبر، محمود و همکاران، (۱۳۹۵). «تحلیل جامعه‌شناختی نفته‌المصدر بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین»، جامعه‌شناسی تاریخی، د ۸، ش ۲.
- ◀ سلیمانی، مستانه و مهناز امیرپور، (۱۳۹۷). «بررسی رویکرد جامعه‌شناختی تاثیر شرکت زنان در هیات‌های مذهبی بر سبک زندگی آنها»، همایش ملی آسیب‌های اجتماعی و روانشناختی.
- ◀ شالچی، وحید، (۱۳۹۲). «عطش منزلت در جامعه ایرانی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، د ۱۴، ش ۲.
- ◀ شهرستانی، سیدصالح، (۱۳۸۲). اشکواره کربلا، چاپ اول، قم: نشر قیام.
- ◀ عبدالرحمانی، رضا و حسین علی سهرابی، (۱۳۹۹). «آسیب‌شناسی ارتباطات بین سازمانی متولیان حجاب و عفاف (سازمان ناجا، شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۳، ش ۹۰.
- ◀ غیور باغبانی، سیده زینب، (۱۳۹۳). «بررسی عوامل موثر در ظهور ارزش‌های فرهنگی جدید در مراسم مذهبی زنان در مشهد»، اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی.
- ◀ فیروزجائیان، علی اصغر و فتح‌اله گرامی، (۱۳۹۳). «بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و منزلت اجتماعی دبیران (مطالعه موردی: دبیران مدارس متوسطه شهر خلخال)»، مطالعات علوم اجتماعی ایران، س ۱۱، ش ۴۱.
- ◀ کرمی‌قهی، محمدمتقی و شهربانو پاپی‌نژاد، (۱۳۹۱). «زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی تک‌زیستی دختران»، فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، س ۷، ش ۲۱.
- ◀ گیدنز، آنتونی، (۱۳۹۷). ساخت جامعه، ترجمه اکبر احمدی، تهران: نشر علم، چاپ دوم.
- ◀ متیوز، اریک، (۱۳۹۵). فلسفه فرانسه در قرن بیستم، ترجمه محسن حکیمی، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ سوم.
- ◀ مستوفی، عبدالله، (۱۳۹۸). شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)، تهران: نشر زوار.
- ◀ میریام، شاران بی. و الیزابت جی. تیسدل، (۱۳۹۸). پژوهش کیفی راهنمای طراحی و کاربست، ترجمه‌ی علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، تهران: سمت.

◀ میرحسینی، زهرا، زهرا بوربور، مرضیه صمصامی، نیره احمدی و زینب اختری، (۱۳۹۸). «چالش‌های زندگی روزمره زنان حاشیه‌نشین شهر تهران»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۳، ش ۸۹.

◀ یعقوبی چوبری، علی، (۱۳۹۶). «زبان استعاره‌ی و بینش جامعه‌شناختی اروینگ گافمن»، مطالعات جامعه‌شناختی، د ۲۴، ش ۱.

▶ Goffman, E. (1956), the presentation of self in everyday life, university of Edinburgh, social science research center, 39 George square, Edinburgh 8, monograph No.2.

▶ Kaser, K. (2008), Patriarchy after Patriarchy: gender relations in Turkey and in the Balkans, Lit Verlag GmbH & Co. KG Wien.

▶ Kuipers, G. & et al (2017), Gender models: changing representations and intersecting roles in Dutch and Italian fashion magazines, 1982–2011, Journal of Gender Studies, 26:6.

▶ Moran, D. (2017), "the phenomenology of the social world: Husserl on Mitsein as Ineinandersein and Fureinandersein", Metodo, Vol. 5, n.1.

